



فیش منبر

موضوع: بهترین بندگان خدا در کلام امام رضا (ع)

سخنران: حجه الاسلام نظری منفرد

کانال ایتا: محراب | مبلغ یار

آدرس: <https://eitaa.com/joinchat/3565683364Ceb84e222d8>

بسم الله الرحمن الرحيم

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الْحَمْدَ مِفْتَاحاً لِذِكْرِهِ وَ سَبَباً لِلْمَزِيدِ مِنْ فَضْلِهِ وَ دَلِيلًا عَلَى آيَاتِهِ وَ عَظَمَتِهِ ثُمَّ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ عَلَى حَبِيبِهِ وَ خَيْرَتِهِ حَافِظِ سِرِّهِ وَ مُبَلِّغِ رِسَالَاتِهِ سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا اَبَا الْقَاسِمِ مُحَمَّدِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى اَهْلِيهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمُتَّجِبِينَ الْهُدَاةِ الْمَهْدِيِّينَ وَ لَعْنَةُ الدَّائِمَةِ عَلَى اَعْدَائِهِمْ اَجْمَعِينَ اِلَى يَوْمِ الدِّينِ.

خلق نیکو

رَوَى أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ عَنِ خِيَارِ الْعِبَادِ، «الَّذِينَ إِذَا أَحْسَنُوا أَسْتَبَشَرُوا وَ إِذَا أَسَاءُوا اسْتَغْفَرُوا وَ إِذَا أُعْطُوا شَكَرُوا وَ إِذَا ابْتَلُوا صَبَرُوا وَ إِذَا غَضِبُوا عَفُوا». (مسند الامام الرضا عليه السلام ، ج 1 ص 284)

یکی از مسائل مهم در اسلام که تأکید فراوانی روی اون شده است اخلاق است اخلاق از جمله اموری است که اسلام تأکید فراوانی روی این مسئله کرده است و خواسته است مسلمان ها دارای خُلقِ نیکو باشند پیغمبر خدا در یک بیانی فرمودند:

إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ؛ (مستدرک الوسائل ج 11 ص 187) من مبعوث شدم تا اخلاق پسندیده و اخلاق خوب را تمام بکنم یا در یک حدیث دیگری فرمود: عَلَيْنَكُم بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ فَإِنَّ اللَّهَ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ بَعَثَنِي بِهَا؛ (الامالی (طوسی)، ص 478؛ و طوسی همچنین در الامالی، ص 596) بر شما باد به اخلاق پسندیده و پروردگار من امر کرده است من را به اون اخلاق پسندیده از نظر اهمیت اخلاق در اسلام شاید مرتبه دوم و سوم یا سوم را داشته باشد اول اصول اعتقادات ابتدا بایستی انسان از نظر عقائد و اون باورها خودش را اصلاح کند اون باورهاست که زمینه اخلاق پسندیده را در انسان به وجود می آورد اگر انسان باور به خدا و قیامت داشته باشد خلق خوبی خواهد داشت امانتدار است متعهد است خیانت نمی کند دروغ نمی گوید کار خیر انجام می دهد اون باورهاست که زمینه اخلاق پسندیده و کارهای خوب را در انسان فراهم می کند پس اولین مسئله باورهاست بعد از اون باورها اخلاق است شما در آیات قرآن کریم مکرر ملاحظه می کنید مسئله تزکیه را به شکل های مختلفی قرآن مجید مسئله تزکیه را مطرح کرده خدای متعال انبیاء را فرستاد هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ إِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ؛ (جمعه: 2) تزکیه جایگاه والایی دارد جایگاه رفیعی دارد تزکیه در انسان از رسول خدا سؤال شد روز قیامت چه کسی به شما نزدیک تر است روز قیامت که هر کسی از کس دیگر فرار می کند روز قیامت روزی است که لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ؛ (عبس: 37) قیامت روزی است که هر کسی به فکر گرفتاری خودش است هر کس به این فکر است که خودش را نجات بدهد نجات خودش او را مشغول کرده اما برخی از افراد فردای قیامت به رسول خدا نزدیک است سؤال شد از پیامبر روز قیامت چه کسی به شما نزدیک تر از دیگران است فرمودند: أَقْرَبُكُمْ مِنِّي غَدًا فِي الْمَوْقِفِ أَصْدَقُكُمْ لِلْحَدِيثِ وَ آدَاكُمْ لِلْأَمَانَةِ وَ أَوْفَاكُمْ بِالْعَهْدِ وَ أَحْسَنُكُمْ خُلُقًا وَ أَقْرَبُكُمْ مِنَ النَّاسِ؛ (تحف العقول ص 46، شبیه این حدیث در بحارالأنوار (ط - بیروت) ج 72، ص 94، ح 12) نزدیک ترین شما

فردای قیامت به من اون کسی است که خلق خوبی داشته باشه اخلاق پسندیده ای داشته باشه همان طوری که خلق خوب در دنیا باعث می شود مردم به انسان اقبال می کند مردم با انسان انس می گیرند در قیامت هم همینطور هست امیرالمؤمنین (ع) در یک بیانی می فرماید: *مَنْ لَانَتْ كَلِمَتُهُ وَجَبَتْ مَحَبَّتُهُ؛ (تحف العقول: 91، غررالحکم: 7941، بحارالأنوار: 71 / 396 / 79؛ المناقب للخوارزمي: 368 / 385* و فیه «مودّته» بدل «محبتّه») کسی که زبانش یک زبان نرمی شد خشن نشد برخوردارش برخوردار توأم با الفاظ خشن نبود لین بود با مردم نرم بود مردم او را دوستش دارد *وَجَبَتْ مَحَبَّتُهُ؛* می فرماید شبیه درخت درخت اگر تنه درخت نرم باشه شاخه های فراوانی می زنه انسان هم همینطور است اگر انسان نرم شد خشن نشد با نرمی با مردم صحبت کرد مردم به او اقبال می کنند مردم دوشش دارند به سراغش می آیند

موقعیت اخلاق در اسلام

بنابراین موقعیت اخلاق در اسلام یک موقعیت روشنی است و جایگاه والایی دارد عرض شد بعد از مسئله اعتقادات مسئله اخلاق بالاترین درجه را در اسلام دارد و سفارش زیادی نسبت به اخلاق پسندیده شده است بنابراین ما به حول و قوه الهی در این لحظاتی که قرار است اوقات شما عزیزان را بگیریم موضوع بحث روایات اخلاقی است که از وجود مقدس آقا علی بن موسی الرضا (ع) به ما رسیده یکی از اون سؤال هایی که از حضرت شده و حضرت پاسخ دادند و مسائل اخلاقی را بیان کردند این حدیث شریف است که خدمتون تقدیم شد از امام (ع) سؤال شد: *سُئِلَ عَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ عَنِ خِيَارِ الْعِبَادِ، «الَّذِينَ إِذَا أَحْسَنُوا اسْتَبَشَرُوا وَ إِذَا أَسَاءُوا اسْتَغْفَرُوا وَ إِذَا أَعْطُوا شَكَرُوا وَ إِذَا ابْتَلُوا صَبَرُوا وَ إِذَا غَضِبُوا عَفَوْا».* از

حضرت سؤال شد بهترین بندگان خدا چه کسی است سؤال بهترین بندگان خدا چه انسان هایی هستند آیا اون کسانی هستند که ثروت زیادی دارند اونا بهترین انسان ها هستند بهترین انسان ها کسانی هستند که از زیبایی اندام برخوردار هستند لقمان حکیم روایت دارد یک انسانی بود از نظر چهره گندم گون یا سیاه گون بود لقمان اما اینقد این انسان انسان بزرگواری هست که خداوند متعال در قرآن یک سوره به نام او قرار داده و می فرماید: وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ؛ (لقمان: 12) ما به لقمان حکمت آموختیم پس بهترین بندگان اون کسی نیست که اندام خوبی داشته باشه یا ثروت زیادی داشته باشه اینها نیست چیست بهترین بندگان بلال حبشی مؤذن رسول خدا بود اهل حبشه بود زبانش نمی توانست مخرج شین را ادا بکند أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ را نمی توانست درست بگوید می گفت: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ؛ اما رسول خدا فرمود: أسهد بلال بهتر از أسهد دیگران است اون اخلاص اون پاکی روح اون ایمان أسهد بلال را بهتر از أسهد دیگران کرد پس نیست به اندام زیبا به ثروت زیاد

علم و عمل ای دوست به مایی و منی نیست

هر کس بیرش خرقة اویس قرنی نیست

خوبی به خوش اندامی سیمین زغنی نیست

هر شیشه گلرنگ عقیق یمنی نیست

حُسن آیت روح است به نازک بدنی نیست

تزکیه

روح اگر یک روح باصفایی شد یک روح تزکیه شده ای شد قرآن بعد از چند تا قسم وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا (1) وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَاهَا (2) وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا (3) وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا (4) وَالسَّمَاءِ وَمَا بَنَاهَا (5) وَالْأَرْضِ وَمَا طَحَاهَا (6) وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا (7) فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا (8) قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا؛ (شمس: 1 - 9) بعد از اون همه قسم و سوگند خدای متعال می فرماید: رستگار شد کسی که خودش را تزکیه کرد معنای تزکیه این است که صفات ناپسند را از خودش زدود خودش را از صفات ناپسند تطهیر کرد و صفات پسندیده اخلاق حمیده فضائل اخلاق را سعی کرد که کسب بکند مستحضرید که صفات پسندیده اخلاقی کسبی است انسان بایستی کسب بکند اینهارو خوشرویی را بایستی ممارست بکند کسب بکند بدون جهت خشم نکردن و غضب نکردن را با ممارست انسان بایستی کسب بکند یک امر کسبی است و همینطور راستگویی را بایستی با ممارست با ریاضت کسب بکند تا به تدریج زبان انسان عادت کند به راستگویی به صدق در گفتار باید کسب بکند امانتداری را باید کسب بکند وفای به عهد را باید کسب بکند تواضع و فروتنی را این اوصافی که اوصاف پسندیده ای اخلاقی است اینها تمام امور کسبی است اموری است که بایستی کسب بکند به هر حال

پنج ویژگی بهترین بندگان خدا

از آقا حضرت علی بن موسی الرضا(ع) سؤال شد آقا بهترین بندگان خدا چه کسانی هستند؟ حضرت فرمودند: کسی بهترین بندگان خداست که پنج تا ویژگی داشته باشد پنج خصوصیت پنج خصلت و پنج ویژگی اگر شما در کسی یافتید او بهترین بندگان خداست

اول کسی که «الَّذِينَ إِذَا أَحْسَنُوا اسْتَبَشَرُوا؛ کسی که کار خوب می کند به خودش بشارت می دهد از کار خوب خوشش میاد انسان همیشه بایستی از کار خوب خوشش بیاد از نماز خوشش بیاد از روزه خوشش بیاد از انفاق خوشش بیاد از دستگیری مستمندان و تهیدستان و نیازمندان شاد بشود خوش آمدن از کار خیر هر کار خیری الان ظهر می شود نزدیک ظهر انسان اقامه نماز جماعت می کند نماز جماعت را در حرم مطهر آقا علی بن موسی الرضا(ع) می خواند خوشحال می شود من موفق شدم در جوار قبر علی بن موسی الرضا(ع) نمازم را انجام دادم فریضة الهی را انجام بدم خوشش میاد انسان از موفقیت ها تو زندگی انسان بایستی خوشش بیاد از نشانه های ایمان است و از علائم ایمان است که انسان وقتی کار خوبی را انجام می دهد از کار خوب خوشش بیاد فرمودند: خَيْرِ الْعِبَادِ؛ بهترین بندگان خدا یکی از ویژگی ها و خصوصیاتشون این است إِذَا أَحْسَنُوا اسْتَبَشَرُوا؛ وقتی کار خوب انجام میدن به خودشون بشارت میدن از این موفقیت شاد هستند مسروراند خوشحال اند که یک کار خوبی را انجام دادند این یک ویژگی و ویژگی دوم فرمود: وَإِذَا أَسَأُوا اسْتَغْفَرُوا؛ اگر احیاناً در زندگی لغزشی از آنها سر زد از آنها گناهی سر زد بلافاصله و بدون درنگ استغفار می کنند نمی گذارند گناه را تکرار کنند و به بعد بیانجامد بلافاصله استغفار کردن روایت دارد مؤمن اگر گناه کرد و بلافاصله استغفار کرد اون گناه از او بخشوده می شود و محو می شود بلکه نوشته نمیشه اگر سریعاً استغفار کرد استغفار از اون اموری است که خدای متعال در قرآن مجید امر بهش کرده مثل نماز وَأَنْ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَيُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ كَبِيرٍ؛ (هود: 3) استغفار کنید پیغمبر خدا استغفار می کرد روزی هفتاد مرتبه پیامبر استغفار می کرد می فرمود: إِنَّهُ لَيُغَانُ عَلَىٰ قَلْبِي وَإِنِّي لَأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ فِي كُلِّ يَوْمٍ سَبْعِينَ مَرَّةً؛ (مستدرک الوسائل، محدث نوری ج ۵ ص ۳۲۰؛ صحیح مسلم، مسلم نیشابوری، ج ۸، ص ۷۲؛ سنن أبی داود، ابو داود، ج ۱، ص ۳۳۹؛ المستدرک علی الصحیحین، الحاکم النیشابوری، ج ۱،

ص ۵۱۱؛ بحارالانوار، مجلسی، ج ۱۷ ص ۴۴) نه پیامبر گناه کند پیامبر خدا معصوم است ما معتقدیم به چهارده معصوم رسول خدا اول معصوم است او گناه نمی کند اما فرمود: گاهی لَيْغَانُ عَلَى قَلْبِي؛ يُغَانُ از غین است غین یعنی اُبر گاهی یک ابری روی روح منو روی دل منو می گیره بر اثر تماس با مردم صحبت با مردم یک ابری ابر مختصری روی دلم را می گیره وَ إِنِّي لَأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ؛ من استغفار می کنم هر روز هفتاد مرتبه ما هم بایستی استغفار بکنیم بنابراین خصلت دوم از خصلت های بندگان خوب این هست که از کار بد و از لغزش آسائوا؛ وقتی کار بدی را انجام دادند استغفار کنند خوششون نیاد ادامه کار بد را به وقتی یکی از خلفای مروانی عبدالملک بن مروان آمد از شام از دمشق آمد به حج حج را انجام داد بعد از طواف یک کرسی برای او گذاشتن داخل مسجدالحرام آمد رو این کرسی نشست رو کرد به اطرافیاناش گفت من دوست دارم یکی از اصحاب رسول خدا را بینم آن کسانی که پیامبر را دیدن مشاهده کردن آنها اصحاب رسول خدا هستند دوست دارم یکی از اصحاب پیامبر را بینم هنوز اصحاب پیامبر زنده بودن حیات داشتن برید جستجو کنید در موسم حج است حتماً به تعدادی از اصحاب رسول خدا به حج آمدن من اینارو ملاقات کنم یکی دو تا سؤال میخوام ازشون بکنم آمدن خدام او تو مسجدالحرام بیرون مسجدالحرام تو این مسعی محل سعی اطراف مسجدالحرام بود گشتن کسی رو از اصحاب رسول خدا پیدا نکردن برگشتن گفتن پیدا نکردی حالا یا اون سال به حج نیامده بودن یا مثلاً در اون ساعتی که ایشون مطالعه می کرد تو منزلشون بودن تو مسجدالحرام نبودن ایشون گفت حالا که از اصحاب رسول خدا کسی رو پیدا نکردی بروید از تابئین اون کسانی که اصحاب پیامبر را دیدند از آنها اگر کسی را پیدا کردی بیاورید آمدن گشتن در مسجدالحرام یک شخصی به نام ابو حازم ابو حازم را پیدا کردن گفتن به او عجل امیرالمؤمنین گفتن خلیفه شما را خواسته گفت من کاری نکردم خلیفه منو نمی شناسه منم خلیفه رو نمی شناسم گفتم بله اما ایشون یکی دو تا سؤال کرده شما را یافتیم از تابئین بیاید پاسخ سؤالات ایشون بدید

ابوحازم پذیرفت آمد پیش عبدالملک عبدالملک بن مروان به ابوحازم گفت مقصود از احضار شما یک سؤاله من یک مشکل روحی پیدا کردم در رابطه با اون مشکل روحی میخوام از شما یک سؤالی بکنم گفت چیه مشکل روحی شما گفت من یک حالتی پیدا کردم در زندگی هر چی کار خوب می کنم از کار خوب از عمل شایسته عمل صالح خوشم نیامد نماز می خوانم از نماز خوشم نیامد روزه می گیرم از روزه خوشم نیامد الان حج آمدم خوشم نیامد خوشحال نیستم از اینکه کار خیر می کنم برخی از افراد وقتی کار خیر می کنند کار خیر را یک بار سنگینی بر روی دوششون می دونند اما برخی از افراد کار خیر که می کنند از کار خیر لذت می برند یادمه یه وقتی از آقایون که یه تعداد از ایتام را تدارک می کرد به اینها می رسید ازش سؤال کردن شما بهترین وقت زندگیت کی هست؟ گفت وقتی که من میام تو این جمع یتیم ها می نشینم می بینم با هزینه من با پول من این ایتام نشستند دارند غذا می خورند من لذت می برم از این کار اونها دارند غذا می خورند من لذت می برم می بینم من توانستم یک تعدادی از ایتام را تدارک کنم به آنها برسم آنها را می بینم شکمشون سیر میشه یتیم هستند دستشون خالی است سرپرست ندارند

سوم: از کار خیر لذت می برد

من لذت می برم انسان مؤمن بایستی این چنین باشه انسان مؤمن بایستی از کار خیر لذت ببرد همیشه انسان لذت نبرد اتفاقاً تو روایات هست لِلصَّائِمِ فَوْحَتَانِ: فَوْحَةٌ عِنْدَ إِفْطَارِهِ، وَ فَوْحَةٌ عِنْدَ لِقَاءِ رَبِّهِ؛ (من لا يحضره الفقيه ج 2) روزه گرفتن در تابستان روزهای بلند هوای گرم کار سختی است انسان هفده ساعت هیجده ساعت گرسنه بماند هم تشنگی هم گرسنگی اما لحظه افطار که می شود نزدیک غروب یک فرحی یک شادی بر انسان حاکمه میگه خب الان رفع عطش می کنم آب می خورم غذا

می خورم روایت دارد روزگار دو مرتبه شاد میشه یک مرتبه هنگام افطار است که آب می نوشه رفع عطش می کند غذا می خورد سیر می شود و یک مرتبه هم عِنْدَ لِقَاءِ؛ وقتی خدا را ملاقات می کند دو تا شادی داره روزه دار عِنْدَ إِفْطَارِهِ وَ عِنْدَ لِقَاءِ؛ یکی لحظه افطار که آب می نوشد رفع عطش می کند سیر میشه از غذا لذت می بره یکی هم اون لحظه ای که خداوند متعال را ملاقات می کنه.

چهارم: مردم از او در آسایش هستند

بنابراین انسان بایستی از کار خیر خوشش بیاد کار خوب و عمل خوبی که انجام میده انسان بایستی از کار خوب و شایسته خوشش بیاد اما ایشون عبدالملک بن مروان به ابوحازم گفت من اگر کار خیر انجام میدم خودم از کار خیر خوشم نمیاد و هر کار زشتی انجام می دهم تو زندگی از کار زشت هم بدم نمیاد دروغ میگم بدم نمیاد غیبت نمی کنم ناراحت نمیشم گناهان دیگر انجام میدم ظلم می کنم به مردم اذیت می کنم دیگران را بعضی از افراد هستند تو جامعه اساساً دوست دارند دیگران را به زحمت بیاندازد تو مواقع مختلف زندگی گاهی داره رانندگی می کنه تو رانندگی به فکر این است که راننده دیگر را اذیت بکنه این حرام است اذیت دیگران میگه بذار دیگری رو اذیت بکنم خوشم میاد از اذیت دیگران این خلق اسلامی نیست مسلمان کسی است که وسیله آسایش دیگران را فراهم بکند نه دیگران را به زحمت بیاندازد گاهی ما بعضی از انسان ها با حرفمون با سخمون دیگران را ناراحت می کنیم گاهی با عملمون دیگران را ناراحت می کنیم حالا با عمل هر چه گاهی با یک نگاه طرف را ناراحت می کنیم گاهی با یک سخن دیگری رو ناراحت می کنیم الْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ؛ (نهج الفصاحة) فرمود مسلمان کسی است که مسلمان ها از دست او از زبان او آسایش داشته باشند و سالم بمونند مشکلی به

آنها نرسه مسلمان این هست باید انسان تو زندگی بنا را بر این بگذارد بنا بگذارد که خیرش به دیگران برسه نه شرش به دیگران برسه این اصل است تو زندگی خیر انسان بایستی به دیگران برسه نه شر انسان به دیگران برسه عبدالملک بن مروان به ابوحازم گفت من هر چی کار بد انجام میدم کار ناپسند انجام میدم از کار بد و ناپسند بدم نمیاد ظلم هم می کنم بدم نمیاد دستور میدم دیگران را زندان کنم بکشم هیچ ناراحت نمیشم ظلم و ستم به دیگران انسان را ناراحت می کنه انسان مؤمن وقتی که یه دروغ میگه می گوید ای کاش نگفته بودم یا غیبت می کند می گوید ای کاش این غیبت را نکرده بودم بلافاصله استغفار می کند.

اما آدم وقتی به اینجا رسید مثل این شخص گفت من هر چه کار خیر می کنم از کار خیر خوشحال نمی شوم و هر زشتی در زندگی انجام می دهم از زشتی هم ناراحت نمی شوم پیداست این روح بیمار شده این روح مریض است همینطوری که بدن انسان دچار بیماری می شود گاهی روح انسان دچار بیماری می شود روح میشه بیمار اگر انسان توانست روح بیمار را علاج کند و سلامت روح پیدا کند این انسان می شود یک انسان خلیق یک انسان با اخلاق اخلاق بد در حقیقت یک بیماری روحی و بیماری روانی است در انسان باید اینو انسان معالجه بکند به ابوحازم عبدالملک بن مروان گفت من از کار خوب خوشم نمیاد و کار زشت و ناپسند هم منو ناراحت نمی کند گفت من درد شما را فهمیدم اما دردها دو جور است بعضی از دردهاست که قابل معالجه است پزشکی وقتی درد را تشخیص داد براساس تشخیص خودش داروی مناسب با اون درد را نسخه می کنه و به بیمار می دهد که اون بیمار عافیت پیدا کند و سلامت خودش را بازیابد و گاهی هم بیمار به گونه ای هست که قابل معالجه نیست پزشکی می گوید من نمی توانم معالجه کنم ابوحازم به عبدالملک مروان گفت من نمی توانم تو را معالجه کنم کار از کار گذشته الآن تکامل فیک موت القلب؛ گفت کاملاً دلتو مرده تو دل مرده ای مرده را دیگه همیشه زنده

کرد کاملاً دل مرده وقتی تو از کار خیر خوشت نمیاد و از کار زشت و بد ناراحت نمی شوی پیداست دل مرده ای دل مرده را انسان چطور میتونه زنده بکنه قرآن مجید به پیامبر می فرماید: إِنَّكَ لَا تُسْمِعُ الْمَوْتِي وَلَا تُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ؛ (نمل: 80) پیامبر مرده را که نمی توانی تو سخنی به او بگویی و او بشنود إِنَّكَ لَا تُسْمِعُ الْمَوْتِي؛ گاهی انسان اینطور می شود موعظه دیگه در او تأثیر نمی کنه سخن خوب را بهش توجه نمی کنه می گوید حوصله اینکه بنشینم موعظه گوش کنم انسان نیازمند به این هست که گاهی بنشینه موعظه گوش بکند سخن حق را بشنود فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ؛ (زمر: 18) این دو تا صفت از صفت های اخلاقی خوب و پسندیده ای که امام هشتم آقا علی بن موسی الرضا(ع) در این حدیث فرمودند: نشانه بندگان صالح خدا نشانه خیار العباد است بقیه اوصاف ان شاء الله در جلسه بعد خدمت عزیزان عرضه خواهیم داشت السلام علیک یا أبا عبدالله.

ذکر مصیبت

روز بعد از اربعین امام حسین(ع) است و اربعین اهل بیت آمدن کربلا و وقتی آمدن کربلا جابر هم در کربلا بود فوافو فی الوقت واحد؛ همزمان با هم رسیدن و أقاموا علی ماتم؛ خیلی تعبیری که مرحوم سید در لهوف دارد تعبیر عجیبی است ماتمی رو و عزایی رو کنار قبر امام حسین برپا کردن که جگر را جریحه دار می کرد کبد را می سوزاند آمدن کنار قبر من از جابر نکاتی را عرض بکنم با عطیه عوفی جابر آمد می گوید عطیه دیدم جابر گفت منو ببر کنار فرات او را بردم کنار فرات با آب فرات غسل کرد و لباس های خودش را درآورد لباس های دیگری را شبیه کسی که محرم می شود لباس پوشید و نفر صعد صعد یک عطری بوده در گذشته صعد کوفی

به خودش ریخت و گام ها را که برمی داشت به طرف قبر ابی عبدالله گام ها را کوچک کوچک برمی داشت یعنی آهسته راه می اومد گام بلند قدم بلند بر نمی داشت چون بر هر گامی بر هر قدمی ثواب تا رسید کنار قبر ابی عبدالله عطیه می گوید جابر به من گفت: یا عطیه المسنی؛ دست من را بگذار رو قبر امام حسین من دست جابر را گذاشتم روی قبر امام حسین سه مرتبه صدا زد حبیبی یا حسین (3) حبیب لا یجیب حبیبه یا ابا عبدالله من جابرم پیرغلام شما خانواده هستم چرا جواب منو نمیدی غش کرد بی هوش شد عطیه آمد از فرات آب برداشت به صورت جابر زد جابر به هوش آورد صدا زد و إما لک بالجواب؛ به خودش خطاب کرد جابر تو از حسین جواب می خواهی ولقد فرقه بین جسده و رأسه؛ مگر نمی دونی حسین سر در بدن نداره

الجِسْمُ مِنْهُ بِكَرْبَلَاءَ مُضَرَّجٌ

وَالرَّأْسُ مِنْهُ عَلَى الْقَنَاةِ يُدَارُ؛ مگر نمی دونی سر حسین به نیزه زدن صلی الله علیک یا ابا عبدالله.

نَسْئَلُكَ اَللّٰهُمَّ وَ نَدْعُوكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الْاَعْزَمِ الْاَجَلِ الْاَكْرَمِ بدماء شُهَدَاءِنَا وَ بِحَقِّ اِمَامِ زَمَانِنَا يَا اَللّٰهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيْمُ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوْبِ ثَبِّتْ قُلُوْبَنَا عَلٰى دِيْنِكَ وَ عَلٰى مُحَبَّةِ الْحُسَيْنِ فِي الدُّنْيَا وَ الْاٰخِرَةِ، اَلهٰى يَا حَمِيْدُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ يَا عَالِيَّ بِحَقِّ عَلِيٍّ يَا فَاطِرُ بِحَقِّ فَاطِمَةَ يَا مُحْسِنُ بِحَقِّ الْحَسَنِ يَا قَدِيْمَ الْاِحْسَانِ بِحَقِّ الْحُسَيْنِ

نزدیک زوال است هنگام زوال و ظهر روایت دارد درهای آسمان باز می شود و رحمت الهی نازل می شود خصوصاً بر نمازگزاران خدایا به حرمت علی بن موسی الرضا ما را پیامرز.

نزولات آسمانی را بر ما بیشتر نازل بفرما.

خدایا سفر زائران امام حسین را بی خطر بگردان.

زیارت مارو خدمت آقا حضرت رضا(ع) مقبول قرار بده

سفر همه مسافران اسلام را بی خطر بگردان

امنیت را بر کشور ما مستدام بدار

امنیت را به بلاد اسلامی بازگردان

کشور ما نظام ما ملت ما رهبر بزرگوار ما را حفظ کن

بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ